

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

گنج و مار!!!

ماری نشسته حلقه زنان در جوار گنج
از هر نفس بسان سپیدی در اضطراب
واکرده چشم هوش به هر گوشه و کنار
شبهان نشسته بر سر آن گنج زنده دار

گنجش بگفت ای همه تن کُلفت و کُریه
ما صاف و پاک، لیک تو یکسر پلید و زشت
ما نوش میدهیم و تو خود نیش میزنی
ما حلقه میزنیم به گگردن برای زیب
از تو کنند نفرت و از ما به احترام
ما را به پیش خلق بسی قدر و قیمت است
ما را چیه نسبت است به تو اندرین دیار
ما دُر و گوهریم، تو مار جفا شعار
مردم به ما فـریفته، از تو به انزجار
لیکن تو از برای بلاهـای بی شمار
انگشتی در دست نمایند و گـوشوار
اما تویی به پیش همه، بس زبون و خوار

خندیده گفت مار که ای گنج شایگان
ما را به توست نسبت از حد فزون، بلی
ما خود به همنشینی تو خوش نبوده ایم
ما را از آن به پهلـوی تو راه داده اند
نشنیده ای مگر ز کسی حرف گنج و مار
چندان که نسبت گـل زیبا و نیش خار
ما را نشانده بر سر تو، دست روزگار
تا ساده بر تو دست نیابند و مفتـخوار

ما نیش می‌زنیم و ترا نوش می‌دهیم اینست شیوه ای که به ما داده کـــاردار
گردون که در طریقه داد و ستد شود شیر است و شهد همره و گل است و نیش خار
بیهوده نیست این همه تلخ و تروش چرخ در این عمل نهان بُودش، رمزها هـــزار
بی نیش نوش می ندهد گردش زمان
اینست شیوه ای که فلک کرده اختیار

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، ۲۵ قوس ۱۳۳۳ ش)